

در پی حصول سازش در یک فقره پرونده قتل عمد

قاتل مأمور محیط زیست بخشیده شد

معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان در امور شوراهای حل اختلاف از حصول سازش در یک فقره پرونده قتل عمد در شهرستان بجنورد خبر داد. به گزارش روابط عمومی دادگستری کل خراسان شمالی، حجت الاسلام محمدحسین امانی گفت: در

نتیجه تلاش های انجام شده از سوی شورای حل اختلاف ویژه زندان، یک فقره پرونده قتل عمد در شهرستان بجنورد به سازش و مصالحه انجامید. این مقام قضایی با بیان این که مقتول یک مأمور وظیفه شناس محیط زیست بود که در نتیجه تیراندازی از

سوی یکی از عوامل شکار غیرمجاز(محکوم علیه پرونده) جان خود را از دست داد خاطر نشان کرد؛ باوجود ماهیت موضوع قتل و ابعاد مختلف وقوع این حادثه ناگوار و تالم و تاثر خاطر و غم و اندوه فراوان اولیای دم، بار دیگر اراده غفو و بخشودگی خانواده

مقتول در گذشت تجلی و تبلور یافت و این گذشت باعث شد آن ها با قبول پیشنهاد مصالحه شورای حل اختلاف، از حقوق قانونی خویش چشم پوشی کنند و با این کار باقیات صالحاتی از خود به یادگار بگذارند.

در راهروی دادگاه خانواده

اتفاق هایی که ورق یک زندگی را برگرداند

بدببیری های یک زن

بیمارستان مرخص شد. او دیگر آن فرد سابق نبود و گویا بعد از بیرون آمدن از کما مهر و محبت اش به من برنگشته بود و خیلی سرد با من برخورد می کرد. البته مادرشوهرم در این موضوع بی تاثیر نبود. من که نگران رفتارهای همسرم بودم او را به دکتر بردم تا از نظر جسمی و روحی از او آزمایش بگیرند که خوشبختانه جواب تمام آزمایش ها نشان می داد که وضعیت اش نرمال است و چیز خاصی در پرونده پزشکی او دیده نمی شد اما با این حال رابطه همسرم با من سردتر می شد و مادر شوهرم که از همان ابتدای ازدواج مان دل خوشی از من نداشت از زبان او مدام با من صحبت می کرد و من را مقصر این اتفاق می دانست.

این کشمکش و بی محلی همسرم به من که بی تاثیر از رفتارهای مادرش نبود ادامه پیدا کرد تا این که روزی دادخواست طلاق به دستم رسید. با دیدن این دادخواست در شوک عجیبی فرو رفتم و زمانی که به خانه مادر شوهرم رفتم تا با همسرم صحبت کنم مادر شوهرم اجازه نداد و گفت که پسرش اصرار به جدایی دارد و با گرفتن مهریه ام به دنبال زندگی ام بروم. وقتی دیدم که همه درها به رویم بسته است تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده ببایم تا با کمک مشاوران مرکز و صحبت آن ها با همسرم، راه حلی برای منصرف کردن او از طلاق ببایم و زندگی ام دچار فروپاشی نشود.

حادثه در شهر

سرقت از میوه فروش سیار

سارق یا سارقان در کمین نشسته علاوه بر سرقت ترازوی دیجیتال، به میوه های فروشنده هم رحم نکردند و آن ها را به سرقت بردند. مرد میوه فروش که در حاشیه شهر برای چند دقیقه اجناسش را برای استفاده از سرویس بهداشتی ترک کرد خبر نداشت که بابت این کارش متحمل خسارت زیادی می شود. مال باخته گفت: مدت ها بود که با نسیان وانتم، میوه فروشی و زندگی ام را اداره می کردم و تا روز حادثه مشکلی برایم پیش نیامده بود. در روز سرقت وقتی به خانه برگشتم مثل دفعات قبل سبد میوه ها و ترازوی دیجیتال را جلوی انباری خانه ام گذاشتم تا با کمک اعضای خانواده ام آن ها را بفروشم. روز از نیمه گذشته بود که برای لحظاتی اجناس را ترک کردم تا از سرویس بهداشتی استفاده کنم. بعد از چند دقیقه که به محل بازگشتم در کمال حیرت دیدم سبد میوه هایم نیست و بعد از آن فهمیدم ترازوی دیجیتال هم ناپدید شده است. بعد از کمی جست و جو در داخل کوچه با اطلاع یکی از همسایه ها متوجه شدم سبد حاوی میوه ها به سرقت رفته است. گویا سارق یا سارقان، داخل کوچه من را زیر نظر داشتند تا در زمان مناسب، به میوه هایم دستبرد بزنند که به هدف شان هم رسیدند.

ماجرای مردی که ارث پدرش را بالا کشید



صدیقی

در یک بزرگه اسیر شیطان و طمع شد و مال یتیم را خورد. او با سوء استفاده از اعتماد خانواده، سهم ارث خواهران و برادرش را بالا کشید اما حالا عواقب حرام خواری اش را می بیند. می گوید دست بالای دست بسیار است.

روزی او ارث پدری و حق برادر و خواهرهایش را بالا کشید و حالا پسرانش همین بازی را سر او پیاده کرده اند. مرد معتاد با یک دنیا حسرت، زندگی غبار گرفته اش را چنین روایت می کند: نوجوان بودم که پدرم از دنیا رفت. درس می خواندم و سرم در حساب و کتاب هزینه زندگی نبود. بعد از فوت پدرم، برادر بزرگ ترم امور زندگی و سرپرستی من و ۵ خواهر و مادرم را بر عهده گرفت.

برادرم بی سواد بود و به همین خاطر وقتی دیپلم ام را گرفتم از من خواست که کارهای اداری را من انجام دهم، برای همین، خانه پدری را به اسم من کرد تا روال اداری را انجام دهم. بعد از خدمت سربازی، برادرم آستین بالا زد و برایم زن گرفت. خواهرهای کوچک ترم هم یکی یکی و البته با کمک برادرم راهی خانه بخت شدند.

تا آن مدت حرف تقسیم ارث و میراث به میان نیامد و خانه پدری هم به نامم بود. برادر و خواهرهای خیلی به من اعتماد داشتند و آن ها در روستا بودند و من هم در شهر زندگی می کردم تا این که در یک نهاد دولتی استخدام شدم و زندگی ام سر و سامان گرفت.

هر وقت صحبت از ارث و میراث می شد برادر بزرگ ترم می گفت احتیاجی به این کار نیست و تا زمان سر و سامان گرفتن اوضاعم، در خانه پدری مان زندگی کنم. گذشت زمان اخلاق و رفتارم را تغییر داد، من دیگر آن آدم

سابق نبودم و شیطان در جلدم رفت تا این که خودم را صاحب خانه پدرم می دانستم. خواهرهایم کم کم صدای شان درآمد و هر چند وقت یک بار حرف از تقسیم ارث می زدند و مادر ساده من هم جلوی آن ها می ایستاد تا به قول خودش حرمت خواهر و برادری پا برجا بماند چون به من اعتماد داشت.

با بالا رفتن قیمت خانه، کم کم حرص و طمع من هم بالا رفت تا جایی که تصمیم گرفتم از دادن حق ورثه خودداری کنم چون خانه به نام من بود و برادر و خواهرهایم هم دست شان به جایی بند نبود.

بالاخره بعد از سال ها سکوت برادر و خواهرهایم، مادرم پیشقدم شد تا موضوع تقسیم ارث پدری را حل کنیم. نمی دانم چه شد که حیا و ادب را کنار گذاشتم و به چشمان مادرم زل زدم و گفتم که چه ارثی؟ خانه که سندش به نام من است. مادرم از تعجب میخکوب شد و به من گفت آن ها من را امین و مورد اعتماد خانواده می دانستند



برای همین خانه میلیاردری را به نامم زدند تا با نفوذ و سوادگی که داشتم گرفتاری های اداری را حل کنم نه این که آن را بالا بکشم. تصمیم خودم را گرفته بودم و خط بطلان بر تقسیم ارث پدری کشیدم.

بعد از این ماجرا خواهرهایم از دست من شکایت کردند اما برادرم خودش را کنار کشید و مرا به خدا واگذار کرد. چون خواهرهایم هیچ مدرک و سندی نداشتند قانون حق را به من داد. از این اتفاق مغرور شده بودم برای همین خانه کلنگی ارث پدری را کوبیدم و در آن خانه ای چند طبقه ساختم.

شیطان بدجوری من را کور و کر کرده بود و آه و ناله خواهرهایم را نمی شنیدم و خودم را صاحب حق می دانستم تا این که کم کم رفاقتم با دوستان ناباب باعث شد در دام اعتیاد بیفتم.

افراد فامیل با وجود این که می دانستند حق با من نیست اما به خاطر شغل و نفوذی که در نهادهای دولتی داشتم به شکل ظاهری، حق

سیستم سقف تیرچه درجا

مزایا

✓ کاهش مصرف بتن و میلگرد به دلیل کاهش وزن سقف

✓ استفاده در انواع اسکلت بتنی و فلزی

✓ حذف هزینه حمل تیرچه و جرثقیل

✓ حذف تیرچه دوبل برای دهانه های بزرگ و باربری های خاص

✓ اجرای اقتصادی و بدون محدودیت دهانه های بزرگ تا ۱۶ متر

✓ عملکرد بهتر در مقابل زلزله و آتش سوزی

✓ امکان عبور تاسیسات از زیر سقف و اتصال بهینه سابورت ها

✓ مطابق با آیین نامه ها و استانداردهای ایران و جهان

✓ ممان اینرسی و سلبیت بالا به دلیل بتن ریزی

یکپارچه تیرچه و سقف

کارشناس فروش: مهندس جعفری

۰۹۳۶ ۶۶۸ ۳۹۴۸

مدیریت: مهندس راضی

۰۹۳۰ ۱۳۰ ۸۵۰۰

بدون نیاز به خرید تیرچه و یونولیت

اجرا تا دهانه ی ۱۶ متر بدون ستون

ایستایوبوت
ارائه دهنده
سیستم های
نوین سقف



@istauboot